

رسالت ایمانداران مسیحی در جهان امروز

آبان ماه ۱۳۹۷

نوامبر ۲۰۱۸

عیسی نور است چون دارای سرشت الهی می باشد و از ازل در اتحاد کامل با پدر آسمانی اش بسر می برد و با انسان شدنش این نور را به جهان ما آورد. "خدا نور است و هیچ ظلمت در وی نیست" (رساله اول یوحنا باب ۱ آیه ۵).

یوحنا ی رسول که بیشتر از دیگر نویسندگان انجیل در ماهیت الهی عیسی مسیح تعمق کرد ، در رابطه با نور بودن عیسی می فرماید: "در ازل کلمه بود ، کلمه با خدا بود و کلمه خود خدا بود ، از ازل کلمه با خدا بود. همه چیز بوسیله او هستی یافت و بدون او چیزی آفریده نشد. حیات از او بوجود آمد و آن حیات نور آدمیان بود. نور در تاریکی می تابد و تاریکی هرگز بر آن چیره نشده است" (انجیل یوحنا باب ۱ آیه ۱-۵). ناگفته نماند واژه «کلمه» در متن فوق به عیسی مسیح ، شخص دوم سه گانه مقدس اشاره می کند.

دوستان عزیز ، با فیض راز تعمید که دریافت کرده ایم ، نور مسیح توسط روح القدس که ما را فرا گرفت ، در قلب ما تایید و ما را فرزندان خدا و اعضای کلیسای مقدس ساخت ، تا اینکه ما نیز به نوبه خود برای هموعان خود نور باشیم . اما تا اینکه نور ما در برابر دیگران بتابد و باعث جلال خدا گردد ، باید از نزدیک عیسی را پیروی نماییم ، همانند او باید محبت را در رأس کارهای روزانه خود قرار دهیم . بدون محبت نور تعمید در قلب ما خاموش

دوستان گرامی ، موضوع این مقاله به همه ما مسیحیان ارتباط دارد. مسیحی بودن یعنی متعهد بودن نسبت به یک رسالت و یک مأموریت طبق تعالیم انجیل مقدس رسالت ما مسیحیان این است که «نور جهان باشیم» (انجیل متی باب ۵ آیه ۱۴-۱۶).

همه ما میدانیم چقدر نور طبیعی برای زندگی روزمره ما ضروری می باشد. بدون نور نمی توانیم زندگی کنیم ، اگر آفتاب و برق وجود نمی داشت زندگی بر زمین نیز امکان پذیر نمی بود. خداوندمان عیسی مسیح ، خود را نور میدانند. ایشان می فرماید: "من نور جهان هستم ، کسیکه از من پیروی کند در تاریکی سرگردان نخواهد شد ، بلکه نور حیات را خواهد داشت" (انجیل یوحنا باب ۸ آیه ۱۲).

نوری که عیسی درباره آن سخن می گوید ، نور مادی و فنا پذیر نیست ، لیکن نور معنوی و روحانی می باشد که قلب و درون انسان را منور میسازد و آن را از تاریکی گناه و مرگ ابدی نجات می بخشد. عیسی مسیح نور است چون حقیقت کامل و قطعی درباره راز خداوند و سرنوشت نهائی انسان را آشکار می سازد. عیسی نور است چون تنها محرک و انگیزه زندگی اش محبت بود ، محبتی که روی صلیب به اوج خود رسید. "محبتی از این بزرگتر نیست که کسی جان خود را فدای دوستان خود کند" (انجیل یوحنا باب ۱۵ آیه ۱۳).

می شود. پولس رسول تلاشهای بسیاری کرد تا نور انجیل را به ملت‌های گوناگون برساند، خطاب به ما مسیحیان می فرماید: "چنانکه شایسته فرزندان عزیز خدا است، بکوشید که مانند او باشید. از روی محبت زندگی کنید و از محبتی که عیسی مسیح با قربانی کردن خویش در راه ما نشان داد، پیروی کنید. او جان خود را مانند هدیه ای خوشبو به خدا تقدیم نمود. شما زمانی در تاریکی بودید، اما اکنون در اتحاد خود با خداوند، در نور هستید، پس مانند فرزندان خدا زندگی کنید. زیرا هر کجا نور باشد، همه نوع خوبی، نیکی و حقیقت نیز بوجود می آید" (رساله به افسسیان باب ۵ آیه ۱-۲ و ۸-۹).

توسط این آیات پولس، رسول امتهما، ما را از رسالت کلیسایی خود آگاه می سازد، رسالتی که عبارت است از زندگی کردن همانند فرزندان نور، نوری که منشأش شخص مسیح است و بواسطه روح القدس به ما منتقل گردید تا ما نیز حاملان نور ایمان به کسانیکه از آن محرومند باشیم. مقدسین و شهیدان مسیحی که در طول دوهزار سال گذشته زندگی کردند، علیرغم تمام ضعفها و نقائص بشری که داشتند، توانستند با کمک و هدایت روح القدس نور مسیح را به مردم زمانشان برسانند و باعث گسترش پیام نجاتبخش انجیل باشند. "اما وقتی روح القدس بر شما نازل شود قدرت خواهید یافت و در اورشلیم و تمام یهودیه و سامره و تا دور افتاده ترین نقاط عالم شاهدان من خواهید بود" (کارهای رسولان باب ۱ آیه ۸).

امروز ما هستیم که باید از قدرت روح القدس استفاده کرده تا نور ایمان ما در برابر مردم بتابد و آنها را بسوی عیسی مسیح تنها نجات دهنده عالم هدایت کند. به بخشی از تعالیم شورای واتیکان دوم در رابطه با فعالیت رسالتی کلیسا گوش فرا دهیم: "کلیسا از طریق فرزندانش

در دنیا حضور می یابد، فرزندانی که در میان جوامع مختلف زندگی می کنند یا بسوی آنها فرستاده شده اند. زیرا همه مسیحیان، در هر جا که زندگی می کنند، وظیفه دارند از طریق الگوی زندگی و شهادت گفتار خود، آن انسانیت جدید را آشکار سازند که خود بواسطه تعمید و نیز نیروی روح القدس که ایشان را بسوی راز تأیید (میرون) قوت بخشیده، دریافت داشته اند، طوری که دیگران با دیدن اعمال نیک ایشان، پدر را جلال دهند" (رجوع کنید به انجیل متی باب ۵ آیه ۱۶) و مفهوم اصیل پیوند جهانی مشارکت انسانها را کاملتر درک کنند".

از مریم مقدس، مادر کلیسا، که توسط روح القدس مسیح نجات دهنده را به تمام بشریت عطا نمود، بخواهیم تا ما نیز امروز ادامه دهندگان راه او باشیم، یعنی راه خدمت به مسیح و کلیسا. آمین

خدمتگزار شما

رمزی گرمو

اسقف اعظم خلیفه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران

«امروز چه کار خوبی می توانم بکنم؟»

تصمیم بگیر در روز دست کم یک کار خوب انجام دهی
خداوند به وسیله روح که راهنمای واقعی تو در زندگی است
گرچه چندبار ، یا به تعداد بی شمار نباشد.
با تو سخن می گوید.
هر صبح با خداوند صحبت کن و از او بپرس:
از خدا بخواه ، با خدا صحبت کن ، با خدا راز و نیاز کن
و تو منشاء معجزات بسیاری خواهی شد.
«امروز چه کار خوبی می توانم بکنم؟»
او به تو پاسخ می دهد و راهنمایی می کند
تا آخرین روز زندگیت ، در روز دست کم یک عمل خوب
چون او در وجود توست.
انجام بده.
و تو با درخواست از او ، او را در خودت زنده می کنی
اگر تمام ۶ میلیارد انسان ساکن بر روی زمین
یک عمل خوب در روز انجام دهند ، چه سیاره ای خواهد شد!
او ممکن نیست بدون اینکه از او خواسته شود ، خود را آشکار
سازد.
«رابرت مولر»

چرا عیسی؟؟؟

عیسی به دنیا آمد تا من دوباره متولد شوم.
او فقیر شد تا من مالک ثروتی عظیم گردم.
او بی جا و مکان شد تا من صاحب بنائی پر شکوه گردم.
او برهنه شد تا من همیشه بر تن خود لباسی داشته و پوشیده باشم.
او تنها و طرد شده ، رها گشت ، تا من همیشه دوستانی داشته باشم.
او اسیر شد تا من آزادی کامل یابم.
او غمگین شد ، باشد که من سرشار از شادی گردم.
او حقیر و فروتن شد تا من بلند کرده شوم.
او خادم شد تا من بتوانم برای همیشه فرزند باشم.
او گرسنگی کشید تا من همیشه غذایی برای خوردن داشته باشم.
او گناه شد تا من امروز عدالت او را با دیگران قسمت کنم.
او مُرد تا من هرگز طعم مرگ ابدی را تجربه نکنم.
او پایین خواهد آمد تا من به بالا بروم.

خداوند این همه را انجام داد تا امروز پُری فیض و عدالت و بخشش او در من نمایان باشد و شریک او در تمام برکات سماوی باشم.

ده سؤالی که خدا در "آن روز" از تو خواهد کرد

- ۱- خدا از تو نخواهد پرسید: مارک ماشین تو چه بود؟
بلکه از تو خواهد پرسید چند نفر را کمک و سوار کردی.
- ۲- خدا از تو نخواهد پرسید: خانه تو چقدر بزرگ بود؟
بلکه از تو خواهد پرسید از چه کسانی در خانه ات پذیرایی کردی.
- ۳- خدا از تو نخواهد پرسید: در کمد لباس چقدر لباس داشتی؟
بلکه خواهد پرسید چند نفر را پوشاندی.
- ۴- خدا از تو نخواهد پرسید: چقدر حقوق میگرفتی؟
بلکه خواهد پرسید چطور به این درآمد رسیدی.
- ۵- خدا از تو نخواهد پرسید: مقام تو چه بود؟
بلکه از تو خواهد پرسید چطور بر حسب وجدانت کار کردی.
- ۶- خدا از تو نخواهد پرسید: چند دوست داشتی؟
بلکه از تو خواهد پرسید که برای چند نفر دوست واقعی بودی.
- ۷- خدا از تو نخواهد پرسید: در چه محلی زندگی می کردی؟
بلکه خواهد پرسید که رفتار تو با همسایه گان چگونه بود.
- ۸- خدا از تو نخواهد پرسید: سفید پوست بودی یا رنگ دیگری داشتی؟
بلکه از تو خواهد پرسید چگونه انسانیت کردی.
- ۹- خدا از تو نخواهد پرسید: از کی دیندار شدی؟
بلکه وقتی نزدیک در بهشت برسی خودش به استقبال خواهد آمد.
- ۱۰- خدا از تو نخواهد پرسید: چند نفر را به دین دعوت کردی؟
بلکه برای خدا نیت تو در اعمال کافی است.

سؤال یک جوان:

- آیا تصمیمات من در زندگی به دیگران ربطی دارند؟
- براستی انتخاب من در زندگی به کی مربوط است ، آیا پیدا کردن راه زندگی فقط مربوط به خودم نیست؟

جواب:

دوست عزیز ، از آنجائی که بنظر جوانی می آیی که در مقابل مسائل زندگی اصلاً حالت سبک و سرسری ندارد ، حقیقتاً نحوه برداشت شما برایم بسیار عجیب می آید.

قبل از هر چیز چنین طرز فکری منحصر به یک نوع اخلاق یا طرز فکر نیست بلکه سبکی است بسیار متداول که بجاست با آن روبرو شویم. اولین مشخصه این طور اندیشیدن "همه چی فقط بخودم مربوطه!" دور بودن از واقعیت زندگی است. چون شما در بیابان زندگی نمی کنید ، شما عضو یک خانواده و در جامعه هستید ...
دومین مفهومی که دارد این است که شما با اعتقادات مسیحی تان بسیار بیگانه اید!
حالا به جزئیات این دو مشخصه می پردازیم.

اولاً هر انسانی با انتخاب راه زندگی اش (چه در سطح تحصیلی و شغلی و چه در سطح ازدواج) محیطی را که ساعات بیشتری از زندگی روزانه اش را در آن سپری خواهد کرد و بخاطر آن اشتیاق ، استعداد و نیروی خویش را متمرکز خواهد نمود ، انتخاب می کند. و در ثانی برای تشخیص این راه در ارتباط با دیگران است که استعداد و علایق شما مشخص می شود (در منزل: شما برای نظم فوق العاده ای که دارید تحسین می شوید ، در مدرسه: شما برای انضباط و وظیفه شناسی تحسین می شوید و خودتان هم مثلاً گرایش بسیار به وارد شدن به مدرسه نظام دارید) پس راه زندگی یک انسان در رابطه او با دیگران مشخص می شود.
اگر لحظه ای فکر کنی که انتخاب راه زندگی ات به دیگران مربوط نیست ؛ یعنی نه دیگران برایت ارزشی دارند و نه اجازه می دهی دیگران برای تو ارزشی قائل باشند.

دوست جوان مواظب باش که این جور "مستقل و تنها" "راه رفتن" عملی است کاملاً نابخردانه.
لحظه ای که بگویی "من خودم می دانم و بس" زندگی را باخته ای. هیچ "منی" صاحب زندگی اش نیست. و هر "منی" با رابطه با دیگران ، بتدریج شکل می گیرد تا تبدیل به یک انسان عاقل گردد.

دوست من کافی نیست درس بخوانی - کافی نیست شغلی داشته باشی ، بلکه میزان موفقیت و خوشبختی شما در نحوه ارتباط شما با دیگران نیز مشخص می گردد.

شما که یک نوع "کالا" نیستید که بفهمید فقط "به چه درد" می خورید! بلکه شما فرزند خدا هستید که برای یک هدف و راه مشخصی به این جهان آمده اید.

هستند جوانان بسیار ساعی و جدی در تحصیلات و در زمینه انتخاب شغل که پیشرفت مالی بسیاری در زندگی می کنند ، ولی بعلت متمرکز شدن در "من" سعادت خود را نمی یابند.

نسبت به آنچه گفته شد ، انتخابی که در ارتباط با دیگری نباشد اصلاً وجود ندارد. سعادت یک انسان در نحوه و میزان ارتباط او در خانواده و جامعه اش می باشد ؛ بنابراین بدون در نظر گرفتن این دو عامل نمی تواند احتیاجات و استعداد های "من" حقیقی اش را در یابد.

مشخصه دوم: انتخاب کردن از دید یک مسیحی

اقدام به انتخاب در زندگی یک شخص نشانه بلوغ و انتخاب صحیح نشانه عاقل بودن و داشتن تشخیص درست است. از دیدگاه مسیحیت ، نحوه انتخاب در زندگی یک ایماندار نمایانگر میزان مسیحی زیستنش می باشد. به این معنی که ایمان ما بر این است که از طریق مصلوب شدن عیسی و مرگ وی بر روی صلیب نجات بشریت به کمال رسید. همین عیسی پیش از مصلوب شدنش مورد تمسخر تماشاچیان قرار گرفت چون به او می گفتند تو که دیگران را شفا می دادی و از دردهایشان نجات بخشیدی اکنون خود را نجات بده از صلیب پائین بیا تا ایمان آوریم که پسر خدا هستی! اما عیسی از صلیب پائین نیامد زیرا نه خیال نمایش قدرتش را داشت و نه خیال خلاص کردن خودش از دست انسانها! بلکه عیسی مسیح از نزد پدر آمده بود تا بشر را از گناهانش نجات بخشد و با خدا آشتی دهد. این انتخابش بود. به همین دلیل عذاب صلیب را پذیرفت و از آن پائین نیامد.

بنابراین یک مسیحی ایماندار خود را در عمل نجات بخش مسیح سهیم می داند چون از این طریق خود نجات یافته ایم ، و در راه نجات دیگران با مسیح سهیم می گردیم. نجاتی که یک "عمل شخصی" نیست و نه اینکه یکبار در دوهزار چند سال پیش رخ داده باشه ، زیرا هر کسی این نجات را بپذیرد یعنی به آن ایمان بیاورد ، این نجات برایش تبدیل به برکات فعال می شود. نیرویی که در او کار می کند و شخص ایماندار باید با آن همکاری کند تا آن نیروی الهی او و اطرافیان را در جهت کمال هدایت نماید. کمال یک انسان "آزاده" بودن اوست.

با پذیرفتن نجاتی که مسیح می بخشد ، شخص ایماندار اعلام می کند که در این نجات سهیم و مبشر آن است. یعنی قادر است همچون مسیح او نیز برای زمان و مکان خودش عمل کند. نجات یافتن توسط مسیح مصلوب یعنی رها شدن از خودخواهی و هدایت شدن بوسیله فیض الهی (روح القدس) و "شاهد" شدن در مقابل دوست و دشمن است.

این است "دعوتی" که پدر آسمانی از ما نموده تا همان احساساتی که در پسر محبوبش جاری بودند در ما نیز باشند تا در کار نجات سهیم گردیم.

بنابراین دوست جوان و بسیار عزیز ، انتخاب راه زندگی نه یک تقلید از دیگری است و نه صرفاً برآوردن خواسته یک "من" بدون دیگری است!

اگر مثل یک ایماندار بیاندیشی و عمل کنی انتخابی که در زندگی خواهی کرد ناشی از "محبت الهی" و اشاعه نجات الهی خواهد بود.

موفق باشی!

از پنج انگشت خود در هنگام دعا نمادی بسازیم ...

۱- انگشت شست از همه به تو نزدیکتر است

پس دعایت را با دعا برای کسانی آغاز کن که از همه به تو نزدیکترند ، دعا برای نزدیکان و کسانی که دوستشان داری "وظیفه دلچسبی" است.

۲- انگشت بعدی انگشت اشاره است

برای کسانی که درس می دهند ، راهنمایی کنند و تسکین می بخشند دعا کن. این افراد معلمان ، دندانپزشکان ، پزشکان و روحانیون هستند. آنها برای اینکه دیگران را به راه راست هدایت کنند ، نیازمند حمایت و دعایند. آنها را در دعاهایت فراموش نکن.

۳- انگشت بعدی بلندترین انگشت است

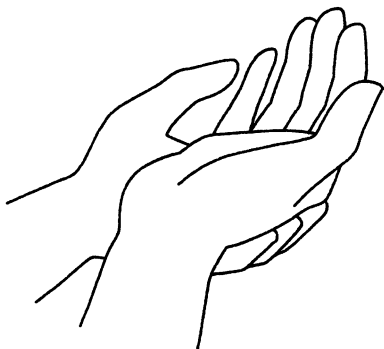
این انگشت ما را به یاد بزرگانمان می اندازد. برای شخصیت های برجسته دعا کن تا ایشان خود را به راهنمایی خداوند بسپارند.

۴- انگشت چهارم انگشت انگشتر است

برای خیلی ها تعجب آور است که بدانند این انگشت ضعیف ترین انگشت است ، اما هر معلم بیانویی این حرف را تصدیق می کند. این انگشت به یاد ما می اندازد که برای آنهایی که ضعیف یا محتاجند ، یا مشکلی دارند ، دعا کنیم. آنها شب و روز به دعای ما نیاز دارند و هر چه برایشان دعا کنیم ، باز هم کم است.

۵- و بالاخره نوبت انگشت کوچک تر است ، کوتاهترین انگشت ما

ما نیز باید مانند این انگشت ، در ارتباط با خدا و دیگران با فروتنی و تواضع رفتار کنیم. چنانکه انجیل می گوید: "باید کوچکترین ها در میان شما بزرگترین باشند" این انگشت باید به یادت آورد که برای خود نیز دعا کنی. زمانی که برای چهار گروه دیگر دعا کرده ای ، راجع به نیازهای خودت به دید روشنی می رسی و می توانی به شکل بهتری برای خود دعا کنی.



اخبار و تقویم کلیسای

- یکشنبه ۱۳ آبان ۹۷ = ۴ نوامبر ۲۰۱۸، یکشنبه اول تقدیس کلیسا.

عهد عتیق: اشعیاء فصل ۶ آیه ۱-۱۳

رساله: اول قرنطیان فصل ۱۲ آیه ۲۸ الی آخر باب ۱۳

انجیل: متی فصل ۱۶ آیه ۱۳-۱۹

- یکشنبه ۲۰ آبان ۹۷ = ۱۱ نوامبر ۲۰۱۸، یکشنبه دوم تقدیس کلیسا

عهد عتیق: سفر خروج فصل ۳۹ آیه ۳۲ الی فصل ۴۰ آیه ۱۶

رساله: عبرانیان فصل ۸ آیه ۱ الی فصل ۹ آیه ۱۰

انجیل: متی فصل ۱۲ آیه ۱-۲۱

- یکشنبه ۲۷ آبان ۹۷ = ۱۸ نوامبر ۲۰۱۸، یکشنبه سوم تقدیس کلیسا

عهد عتیق: اشعیاء فصل ۵۴ آیه ۱-۱۵

رساله: عبرانیان فصل ۹ آیه ۵-۱۵

انجیل: یوحنا فصل ۲ آیه ۱۲-۲۲

- یکشنبه ۴ آذر ۹۷ = ۲۵ نوامبر ۲۰۱۸، یکشنبه چهارم تقدیس کلیسا

عهد عتیق: حزقیال فصل ۴۳ آیه ۱-۷

رساله: عبرانیان فصل ۹ آیه ۱۶ الی آخر باب

انجیل: متی فصل ۲۲ آیه ۴۱ الی فصل ۲۳ آیه ۲۲

"در مورد خدمت به خدا"

به کوچکترین چیزهایی که داری ایمان داشته باش چون قدرت شما در آن ذره ها جمع شده است.

* "در هر مورد کوچکی با ایمان باشید زیرا قدرت شما در همین ها نفهته است."

* "در هر کدام از آنها مسیح وجود دارد."

* "من یک قلم کوچکی هستم در دست خدای نویسنده ، که به تمام جهان یک نامه عاشقانه می فرستد."

* "من برای موفقیت دعا نمی کنم ، بلکه خواهان ایمان هستم."

* "من می دانم که خداوند چیزی را که نمی توانم انجام دهم از من نخواهد خواست. من فقط آرزو می کنم

که او این قدر به من اعتماد نمی کرد."